

## بررسی سراینده یازده رباعی دخیل مشترک در رباعیات خیام و حافظ با تکیه بر تاریخ نسخ و نکات سبکی و محتوایی

معصومه معدن‌کن\* - اسدالله واحد\*\* - طه صادری\*\*\*

### چکیده

بسیاری از رباعیات منسوب به خیام در جای جای متون نظم فارسی به نام شاعران دیگر نیز ضبط شده است. این امر علاوه بر ایجاد تردید در مورد صحت انتساب رباعیات خیام، انتساب چنین رباعیاتی را به شاعران دیگر نیز دشوار می‌سازد. اختلاف در انتساب رباعیات تا حدی است که گاه برای یک رباعی نام هفت شاعر در منابع مختلف درج گشته است. بیش از یک سده است که پژوهشگران ایرانی و خارجی درباره صحت انتساب این قبیل رباعیات تحقیق کرده‌اند اما ضرورت پژوهش‌های بیشتر در این زمینه همچنان به قوت خود باقی است. با این که صحت انتساب رباعیات منسوب به حافظ هم پیشتر به وسیله استادانی چون مسعود فرزاد، محمدامین ریاحی و دیگران مورد تحقیق قرار گرفته، هنوز راهی طولانی پیش روی پژوهشگران این حوزه برای تحصیل واقعیت وجود دارد. در مقاله حاضر با مطالعه یازده رباعی که هم به خیام و هم به حافظ منسوب شده، صحت انتساب این رباعیات به دو شاعر بررسی و نقد شده است. پس از ذکر محل و تاریخ انتساب رباعی‌ها به هر یک از دو شاعر، به سبک‌شناسی زبانی و سابقه تاریخی رباعیات و سنجش مضمون آن‌ها با مضامین رباعیات اصیل خیام پرداخته شده، در نهایت با رد تعلق آن‌ها به خیام و حافظ، انتسابشان به شاعری دیگر بیان شده است.

### واژه‌های کلیدی

رباعیات، خیام، حافظ، نسخه پژوهی، سبک‌شناسی.

### ۱- مقدمه

\* استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز

\*\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز avahed@tabrizu.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز (نویسنده مسؤل) saderi@tabrizu.ac.ir

با این که رباعیات منسوب به حکیم عمر خیام (۵۱۳/۵۱۵ - ۴۳۹ هـ. ق.) جایگاه خاصی میان اهل ادب دارد و اندیشه خیامی موجود در آن‌ها از سوی پژوهشگران معاصر به عنوان مکتبی فکری شناخته شده است و تأثیرات آن اندیشه در آثار شاعران پس از خیام مورد مطالعه قرار گرفته است، ابهام در صحت انتساب بسیاری از این رباعیات از میان نرفته است. چنان‌که می‌دانیم نخستین اثری که از خیام به عنوان شاعر یاد کرده، خریدۀ القصر (۵۷۲ق) عمادالدین اصفهانی است که حدود شصت سال پس از وفات خیام تحریر شده است؛ البته هیچ شعر فارسی از خیام در آن منبع نیامده و تنها قطعه‌ای به عربی از وی ذکر شده است. شاید بتوان گفت نخستین کسی که یک رباعی به نام خیام ضبط کرده، امام فخر رازی (ف ۶۰۶ هـ. ق.) است که در تفسیر «التنبیه علی بعض الاسرار المودعه فی بعض سور القرآن العظیم»، رباعی با مطلع «دارنده چو ترکیب طبایع آراست» را در خلال متن عربی تفسیر خود به نام عمر الخیام نقل کرده است. البته کتابت نسخه‌های خطی اثر مذکور سال‌ها پس از تاریخ تصنیف آن انجام پذیرفته است و با فرض عدم دخالت کاتبان در متن اثر می‌توانیم بگوییم قدیمی‌ترین رباعی که تا به حال به نام خیام یافته شده، متعلق به حدود هشتاد سال پس از مرگ وی است.

در این میان رباعیاتی به خیام منسوب شده که در آثار معاصر وی بدون ذکر نام قائل آمده است و تعلق آن‌ها به خیام محل تردید است. از آن جمله است: رباعی با مطلع «آن را که به صحرای علل تاخته‌اند» با اختلاف در بیت اول در سراج السائرین (۵۱۳ هـ. ق.) نوشته شیخ احمد جام، رباعی با مطلع «آرند یکی و دیگری برابند» در رساله عینیه (۵۲۰ هـ. ق.) احمد غزالی، بیت دوم رباعی با مطلع «عشقی به کمال و دلربایی به جمال» در تفسیر کشف الاسرار و عدۀ الابرار (پس از ۵۲۰ هـ. ق.) رشیدالدین میبدی، سه رباعی در کتاب روح الارواح فی شرح اسماء الملک الفتح (پیش از ۵۳۴ هـ. ق.) نوشته شهاب الدین احمد سمعانی، بیت دوم رباعی «آن را منگر که ذوفنون آید مرد» در کلیله و دمنه (۵۳۸-۵۴۰ق) نصرالله منشی، چهار رباعی و بیت دوم رباعی با مطلع «مشنو سخن از زمانه ساز آمدگان» در سندبادنامه (۵۵۶-۵۶۰ هـ. ق.) ظهیرالدین سمرقندی. همه این رباعی‌ها بعدها به خیام منسوب شده است. علاوه بر این، بسیاری از رباعیات منسوب به خیام را نیز می‌توان در سفینه‌ها، جنگ‌ها، تذکره‌ها، کتاب‌های تاریخی و حتی در دیوان‌های شاعران مختلف یافت که به نام شاعران دیگر ضبط شده است. گاهی این اختلاف در انتساب رباعیات تا حدی است که برای یک رباعی نام هفت شاعر در منابع مختلف درج گشته است.

## ۲- سابقه بررسی رباعیات خیام

نخستین کسی که کوشید به طور جدی و علمی این مسأله را مطرح کند، والتین ژوکوفسکی (Valentin Zhukovsky) بود که در سال ۱۸۹۷ میلادی با انتشار مقاله‌ای تحت عنوان «رباعیات سرگردان»، ۸۲ رباعی منسوب به خیام را در نسخ خطی و چاپی از اشعار ۳۸ شاعر یافت و اظهار داشت که نمی‌توان در صحت انتساب رباعیات به خیام قاطع بود. پس از وی نیز افرادی چون آرتور کریستنسن (Arthur Christensen)، حسین دانش، محمدعلی فروغی، مجتبی مینوی و جلال الدین همایی نظریه او را تأیید کردند و تحقیقاتی در این زمینه انجام دادند.

واضح است که بدون عنایت به مسائل نسخه‌شناسی، سبک‌شناسی، نکات دستوری، محتوایی و تاریخی، اظهار نظر درباره یک اثر بی‌نقص نخواهد بود. بررسی دو تن از استادان دانشگاه شیراز و هرمزگان درباره کارنامه خیام پژوهی بین سال‌های

۱۳۰۰ تا ۱۳۸۰ هـ.ق. نشان می‌دهد که بیش از ۴۲۵ عنوان مقاله و ۷۰ عنوان کتاب دربارهٔ اندیشه و آثار خیام نوشته و چاپ شده است (ر.ک. حسن‌لی و حسام‌پور ۱۳۸۸: ۱۱۹ و ۱۱۱). کثرت این تعداد بیانگر دو نکتهٔ اساسی است: نخست این‌که وجود رباعیات منسوب به خیام در ادب فارسی و مشاهدهٔ تأثیر آن‌ها در آثار شاعران پس از خیام آن قدر با اهمیت است که توجه بسیاری از پژوهشگران ادبی را به خود جلب کرده است؛ دیگر آن‌که هیچ کتاب یا مقاله‌ای تاکنون نتوانسته ادعای اتمام پژوهش را ولو در حوزه‌ای از خیام پژوهی بکند و گمان می‌رود تا سال‌ها روند پژوهش در مورد آثار خیام همچنان ادامه داشته باشد. در کنار این واقعیت‌ها نباید کتمان کرد که بسیاری از آثار پژوهشگران ذوقی یا تکراری است و قابلیت ارجاع و استناد علمی ندارد.

### ۳- روش پژوهش در بررسی صحت انتساب رباعیات منسوب به خیام

در این پژوهش با وجود آثار ارزشمند برخی از محققان پیشین و گسترهٔ وسیع متون نظم فارسی، برای بررسی رباعیات منسوب به خیام، لازم دیده شده تا علاوه بر بهره‌مندی از آن تحقیقات و امانت‌داری در ارجاع به آن‌ها، نکات جدیدی مطرح شود. از میان ۱۲۷۱ رباعی گردآمده که در کتاب‌ها و نسخه‌های متعدد به نام خیام درج گردیده، چهل و یک رباعی را به حافظ نیز منسوب یافتیم. با شناسایی محل انتساب آن رباعیات، یازده رباعی که به لحاظ تاریخ نسخ، تقدم انتساب و سبک و مضمون انتساب آن‌ها به خیام و حافظ ضعیف بلکه غیرمحتمل دانسته شده، در این مقاله عرضه گردیده است. اگر این رباعیات در کتاب‌های دیگر به نام سراینده‌گان دیگری نیز آمده بود، حتی المقدور نوشته شده است. با بررسی محل انتساب آن‌ها به یک نتیجهٔ تحلیلی در انتساب رباعیات مذکور رسیده‌ایم.

### ۴- نسخ مورد استناد در گردآوری رباعیات خیام و حافظ

در گردآوری رباعیات منسوب به خیام نخست به منابعی رجوع شده که اطلاع کافی در مورد نحوهٔ گزینش رباعیات خیام داده‌اند. پس از جمع آوری تک تک رباعیات از منابع چاپی، با توجه به ارجاع آن‌ها به نسخ خطی حاوی آن رباعیات، به تطبیق ارجاعات در منابع مختلف پرداخته شده تا به وجود یک رباعی در یک نسخهٔ خاص اعتماد حاصل شود. پس از آن تا جایی که امکان دسترسی به تصویر یا مجموعهٔ چاپ شدهٔ برخی از نسخ خطی بوده، سعی گردیده تا با رجوع به آن منابع ارجاع به منبع اصلی در متن آورده شود. نسخ مورد استفاده برای رباعیات خیام در این مقاله به همراه تاریخ تعلق آثار در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. نسخ مورد استناد برای رباعیات منسوب به خیام

نسخ خطی	چاپ سنگی	چاپ سربی و جدید
فراه‌میرزا (۸۵۲) <sup>۱</sup> ، طریخانه (۸۶۷)، پیر پاسکال (قرن نهم به بعد)، نخجوانی (قرن نهم به بعد) <sup>۲</sup> ، محفوظ الحق (۹۱۱)، پاریس (۹۳۴) <sup>۳</sup> ، پاریس (۹۴۷) <sup>۴</sup> ، بریتانیا (۹۷۷) <sup>۵</sup> ، پرتو بیضایی (قرن نهم یا دهم) <sup>۱</sup> ، روزن (قرن دهم)، بودلیان (قرن دهم) <sup>۲</sup> ، لنینگراد (قرن دهم) <sup>۳</sup> ، حیدرآباد (قرن دهم) <sup>۴</sup> ، برلین II (قرن دهم به بعد) <sup>۵</sup> ، بریتانیا (۱۰۳۳) <sup>۶</sup> ، برلین (۱۰۵۸) <sup>۳</sup> ، بریتانیا (۱۰۷۹) <sup>۴</sup> ، حیدرآباد (قرن یازدهم) <sup>۵</sup> .	کلکته I (۱۲۵۲) <sup>۳</sup> ، کلکته II (۱۲۵۲) <sup>۴</sup> ، کلکته III (۱۲۵۲) <sup>۵</sup> ، ریاض‌العارفین (۱۲۶۴)، لکهنو (۱۳۰۰) <sup>۶</sup> ، سنپترزبورگ (۱۳۰۶) <sup>۳</sup> ، بمبئی (۱۳۰۷) <sup>۴</sup> ، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹) <sup>۵</sup> .	فیتز جرالذ، نیکلا، وینفیلد، کریستن‌سن، تامسون، دانش، هدایت I و II، فروغی، تیرتها، برتلس، ملحقات طریخانه، یکانی، فولادوند I و II، دانشفر، میرافضلی.

برای گردآوری رباعیات حافظ از چند دیوان چاپی او که به نسخ مستفاد در آن دیوان ارجاع داده بودند، استفاده شده است. از جمله خلخالی (۱۳۰۶)، پژمان (۱۳۱۸)، قزوینی - غنی (۱۳۲۰)، انجوی شیرازی (۱۳۴۶)، جلالی - نذیر (۱۳۵۲) و (۱۳۵۰)، فرزاد (۱۳۵۰)، ناتل خانلری (۱۳۶۲)، عیوضی (۱۳۸۵)، نیساری (۱۳۸۶).

## ۵- سبک‌شناسی خیام و حافظ

بهار در توصیف سبک یک شعر می‌نویسد: «مراد از سبک شعر بحث کردن در کیفیات فکری و طرز فکر شاعر و ادای خیالات و تفکرات به طرز مخصوص و استعمال لغات و ترکیبات خاص برای بیان مقاصد فوق است؛ در واقع سبک هر نویسنده را از جمله بندی و استعمال الفاظ و رعایت قواعد ادبی باید تشخیص داد» (بهار، ۱۳۳۴: ۴۶).

از این روی برای شناسایی سبک زبانی رباعیات خیام، پنجاه رباعی از متون و نسخ قرن هفتم و هشتم انتخاب شد.<sup>۵</sup> این رباعی‌ها با در نظر گرفتن تشابهات سبکی و زبانی، قدمت انتساب، عدم تردید در انتساب به غیر، کثرت تکرار در نسخ و مجموعه‌های رباعیات خیام، اعتماد به متون و نسخ خطی و تناسب مضمون با اندیشه عمر خیام در متون مثنوی که محققاً متعلق به وی است، از کتاب‌های التنبیه، مرصادالعباد، نزهة المجالس، لمعة السراج، اقطاب القطیبة، نخبة الشارب، مسالك الممالک، تاریخ جهانگشا، تاریخ و صاف، مونس الاحرار، مجموعه اشعار و مراسلات لالا اسماعیل، جنگ خطی مجلس و جنگ اشعار قرن هشتم مستفاد فروغی - غنی گزینش شد.

با اعتماد به این پنجاه رباعی که در صحت انتساب آن‌ها به خیام تردیدی وجود ندارد، نظر محققانی چون فروغی، هدایت، مینوی، یکانی و فولادوند در باب خیام مطالعه گردید و با آن رباعیات سنجیده شد. نهایتاً سبک رباعیات اصیل خیام در سه سطح زبانی، ادبی و فکری به شکل ذیل ویراسته و جمع بندی شد:

در سطح زبانی:

۱- ساده، روان، پخته، درست، موجز<sup>۶</sup>

۲- عاری از آرایش، لفاظی، چرب زبانی و عربی مآبی.<sup>۷</sup>

۳- اربعة الارکانی.<sup>۸</sup>

در سطح ادبی:

۱- فصیح و بلیغ، استوار، شیرین و روشن<sup>۹</sup>

۲- عاری از هرگونه تکلف و سستی.

در سطح فکری:

۱- دارای معانی لطیف، دقیق و بدیع<sup>۱۰</sup>

۲- عاری از هزل، موعظه، خطابه، عرفان، مدح و ذم اشخاص، تضرع و زاری از فراق یا شادی از وصال.

لطف الله یارمحمدی به وجود سه عنصر «توصیف، توصیه و تعلیل» در رباعیات خیام اشاره کرده است (یارمحمدی،

۱۳۷۱: ۶). برای دریافتن درون مایه اصلی رباعیات نیز با طبقه بندی دقیق آن رباعیات و با توجه به نظر محققان مذکور،

مضامین ذیل به دست آمد:

۱- سؤال از مرگ و یادکرد آن (توصیف)

۲- اعتقاد به نوعی تناسخ (توصیف)

۳- شکایت از دنیا و اشاره به بی‌وفایی آن، روایت تراژدی زندگی بشر (توصیف)

۴- شادی طلبی و اغتنام فرصت (توصیه)

۵- مدح شراب یا دعوت به باده نوشی (توصیه)

۶- جبرگرایی و بدبینی (تعلیل)

۷- بینش فلسفی در حل معمای جهان و اظهار تردید و اقرار به عجز (تعلیل).

با توجه به دقت و وسواس به کار رفته در گزینش و بررسی رباعیات، می‌توان در صحت انتساب آن دسته از رباعیاتی که فاقد شرایط سبکی و مضمونی یاد شده نیستند، تردید کرد.

در مورد سبک اشعار حافظ، مرتضوی می‌نویسد: «شعر حافظ جامع بلندی معنی و عمق تأثر و لطافت مضمون (محاسن معنوی شعر) و ظرافت و زیبایی مفردات و کلمات و اعجاز در ترکیب کلام و مصنوعیت بی تکلف (محاسن لفظی و ظاهری شعر) و ابهام و ابهام (محاسن لفظی و معنوی شعر) است» (مرتضوی، ۱۳۴۴: ۳). البته رباعیات حافظ کاملاً دربردارنده خصوصیات غزل‌های وی نیست. هرچند احتمال دارد رباعیات ضعیف منسوب به حافظ از آن خود او نباشد ولی نمی‌توان انکار کرد که در میان غزل‌های حافظ نیز برخی ابیات سست یافته می‌شود.

نکته‌ای که در بررسی رباعیات مشترک خیام و حافظ نباید از یاد برد این است که خیام پیشه شاعری نداشته و ازین روست که در سروده‌های وی اندیشه منسجم و یک خط فکری را می‌توان دنبال کرد اما حافظ یک شاعر حرفه‌ای بوده و حتی امکان دارد تعداد سروده‌هایش بیش از اشعار موجود بوده و او خود بخشی را از بین برده باشد. یک شاعر در طول مدت عمرش جریان‌های مختلف فکری می‌یابد؛ یکی را مدح می‌کند و پس از چند سال همان فرد را هجو می‌نماید. در جوانی در پی عیش و عشرت می‌رود و در پیری برای توبه موعظه می‌کند. گاه از فراق می‌گرید و گاه از وصال می‌خندد. این‌ها مسائلی است که در تمیز بین سروده یک شاعر و یک فیلسوف باید لحاظ شود.

## ۶- بررسی رباعیات مشترک

در این بخش یازده رباعی که هم به خیام و هم به حافظ منسوب شده است، ذکر گشته و ذیل هر کدام، نخست محل انتساب به خیام و سپس محل انتساب به حافظ و احیاناً شاعر دیگر آمده است. سپس هر رباعی تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی شده و در نهایت نتیجه تحلیل بیان شده است.

(۱) آمد سحری ندا ز میخانه ما      کای رند خراباتی دیوانه ما  
برخیز که پر کنیم پیمانه ز می      زان پیش که پر کنند پیمانه ما

نسخ خطی خیام	فراه‌میرزا (۸۵۲)، نجوانی (قرن نهم به بعد)، بریتانیا (۹۷۷)، پرتو بیضایی (قرن نهم یا دهم)، بودلیان (قرن دهم)، لنینگراد (قرن دهم)، برلین (۱۰۵۸)، بریتانیا (۱۰۷۹)، برلین II (قرن دهم به بعد).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ سربی و جدید	فیتز جرال، نیکلا، وینفیلد، تامسون، دانش، هدایت I، تیرتها، ملحقات طریخانه، یکانی، فولادوند II.

## انتساب به شاعر دیگر

وفایی آن را از نسخه نورعثمانیه (۸۴۴ هـ. ق.) و مجلس شورا (۸۵۰ هـ. ق.) جزء رباعیات سلمان ساوجی (و ۷۰۹ هـ. ق.) آورده است. در چاپ اوستا (۱۳۳۷ هـ. ش.) هم این رباعی احتمالاً از روی نسخه گلچین معانی (۸۰۸ هـ. ق.)

ق. نقل شده است؛ در آتشکده آذر (۱۱۹۳ هـ. ق.)، نتایج الافکار (۱۲۵۸ هـ. ق.) و مجمع الفصحا (۱۲۸۴ هـ. ق.) هم به نام سلمان ساوجی آمده است (سلمان ساوجی، ۱۳۸۹: ۵۳۷ و ۱۳۳۷: ۵۴۷؛ بیگدلی آذر، ۱۳۴۰: ۳/ ۱۱۳۴؛ گوپاموی، ۱۳۸۷: ۳۸۲؛ هدایت، ۱۳۳۹: ۴/ ۳۷). این رباعی در دیوان سلمان چاپ منصور مشفق (سلمان ساوجی، ۱۳۳۶) وجود ندارد.

محسن فرزانه این رباعی را در حاشیه جنگ خطی اشعار نظامی گنجوی، مورخ ۸۵۲ هـ. ق.، محفوظ در کتابخانه ملی پاریس، به نام خیام مضبوط دیده است (فرزانه، ۱۳۵۳: ۱۷). لازم به ذکر است که تاریخ مذکور مربوط به خود جنگ است و حاشیه را شامل نمی‌شود.

مسعود فرزاد آن را در یک منبع که از آن نام نبرده، به نام حافظ یافته است (فرزاد، ۱۳۵۰: ۱۷۴).

### تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

با این که تقدم انتساب رباعی به سلمان ساوجی نسبت به خیام حدود شش سال است (بدون در نظر گرفتن نسخه گلچین معانی) اما نزدیکی نسخه مذکور به عصر حیات سلمان و قیاس آن با فاصله عصر خیام و نسخ رباعیات وی، انتساب آن را به سلمان ساوجی قابل اعتمادتر نشان می‌دهد و انتساب آن به حافظ ضعیف است.

شعر ساده، پخته، استوار و شیرین است. عبارت «پر کردن پیمانۀ عمر» شاعرانه است و متداعی بیت «چون عمر به سر رسد چه شیرین و چه تلخ/ پیمانۀ که پر شود چه بغداد و چه بلخ» از یک رباعی دیگر منسوب به خیام است. کاربرد عبارت «رند خراباتی» جای تأمل دارد زیرا این ترکیب در اشعار حافظ و معاصران وی نمود بیش‌تری داشته است. به نظر می‌رسد میخانه‌ای که سحرگاه باز باشد و به مستان کویش ندا دهد، ایشان را به نوشیدن شراب آسمانی دعوت کند. بر اساس آن چه از رسم میخانه‌ها در ادبیات شنیدیم و خوانده‌ایم، برای باده صبح که رافع خمار غبوق بود به میخانه مراجعه نمی‌کردند و زمان کار خرابات از اول شب تا نیمه‌های آن بوده است. در بیت «می خور که منادی سحرگاه خیزان/ آوازه اشربوا در ایام افکند» نیز همین نکته قابل مشاهده است. بنابراین با عنایت به واژگان «رند و خراباتی و دیوانه» و با توجه به معنی باطنی رباعی، می‌توان آن را جزء رباعیات قلندران به حساب آورد.

### نتیجه تحلیل

با توجه به این که تاریخ انتساب رباعی به خیام، به پیش از قرن نهم نمی‌رسد و بعید است که خیام رباعی قلندرانه بسراید لذا انتساب رباعی به سلمان ساوجی اقوی دانسته می‌شود.

(۲) عیب است بزرگ برکشیدن خود را / وز جمله خلق برگزیدن خود را  
از مردمک دیده بیاید آموخت / دیدن همه کس را و ندیدن خود را

### انتساب به خیام

تیرتها این رباعی را در یک نسخه قرن یازدهم برلین به نام خیام یافته است (Tirtha, 1941: 289).

### انتساب به شاعر دیگر

این رباعی در انیس الوحده و جلیس الخلوه (۷۵۰-۷۳۰ هـ.ق.) بدون ذکر نام پس از غزلی از سعدی آمده است (حسنی اصفهانی، ۱۳۹۱: ۹۳). گمان می‌رود نظر نویسنده بر تعلق رباعی به سعدی بوده است هر چند در کلیات سعدی مصحح فروغی یافته نشد.

در بیاض تاج الدین احمد وزیر (۷۸۲ ق) بدون ذکر نام قائل آمده است (تاج الدین احمد وزیر، ۱۳۸۱: ۲/ ۳۰۹). این رباعی در مجمع الفصحا و ریاض العارفین به نام خواجه عبدالله انصاری (۴۸۱-۳۹۶ هـ.ق.) آمده است (هدایت، ۱۳۳۶: ۱/ ۱۳۵ و ۱۳۱۶: ۵۱) و در مواظ و نصایح خواجه عبدالله انصاری نیز آمده است (عبدالله انصاری، ۱۲۷۳: ۲۵-۲۴). در نسخ ذیل جزء رباعیات باباافضل (۶۶۶-۵۸۲ هـ.ق.) آمده است (افضل الدین کاشانی، ۱۳۶۳: ۹۱ و ۱۳۵۱: ۶): سفینه (قرن دهم)، مدرسه سلطانی (۱۲۱۵ هـ.ق.)، مدرسه ناصری (۱۲۵۹ هـ.ق.)، کتابخانه سلطنتی (۱۲۵۹ هـ.ق.) و جنگ تبریز (۱۳۴۶ هـ.ق.).

در نسخه پاریس (۹۳۴ هـ.ق.) موسوم به «رباعیات طیب»<sup>۱۱</sup> به شماره ۴۲۳ درج شده است (Tirtha, 19471: 289). در چاپ خلخالی (۱۳۰۶) و پژمان (۱۳۱۸) جزء رباعیات حافظ آمده است (حافظ، ۱۳۰۶: ۳۴۵؛ فرزاد، ۱۳۵۰: ۱۷۳).

### تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

انتساب رباعی بابا افضل پیش از انتساب آن خواجه عبدالله انصاری، خیام و حافظ صورت گرفته است. با توجه به تاریخ تحریر انیس الوحده، انتساب آن به حافظ مردود است. رباعی ساده و بی آرایش است و به اشعار قرن پنجم نزدیک است. مضمون آن موعظه است و با سروده‌های خواجه عبدالله و باباافضل تناسب بیشتری دارد.

### نتیجه تحلیل

انتساب این رباعی به خیام ضعیف و به حافظ مردود است. رباعی متعلق به خواجه عبدالله انصاری یا افضل کاشانی است.

از باد صبا دلم چو بوی تو گرفت / ما را بگذاشت جست و جوی تو گرفت  
اکنون ز منش هیچ نمی آید یاد / بوی تو گرفته بود و خوی تو گرفت

نسخ خطی خیام	محفوظ الحق (۹۱۱)، بودلیان (قرن دهم)، لنینگراد (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، برلین (۱۰۵۸)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، لکهنو (۱۳۰۰)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ سربی و جدید	وینفیلد، تامسون، تیرتها.

### انتساب به شاعر دیگر

این رباعی در تذکره هفت اقلیم (۱۰۱۰ هـ.ق.) به نام فخرالدین مبارکشاه (ف ۶۰۲ هـ.ق.)<sup>۱۲</sup> درج شده است (رازی، ۱۳۴۰: ۱۲/ ۲؛ نیز ر.ک. مبارکشاه، ۱۳۸۱: ۱۴۴).

در ریاض الشعرا (۱۱۶۲ هـ.ق.) و چاپ پژمان (۱۳۱۸ هـ.ش.) از دیوان حافظ جزء رباعیات وی آمده است (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۱/ ۶۲۳؛ فرزاد، ۱۳۵۰: ۱۹۰).

در مجموعه سخنان منظوم ابوسعید نیز از منابع ذیل به نام ابوسعید ابوالخیر (ف ۴۴۰ هـ.ق.) درج شده است (نفیسی، ۱۳۵۰: ۲۳):

مشيخه خاندان سعدالدين حموی (نیمه دوم قرن نهم و اوایل قرن دهم)، کشکول شیخ بهایی (پیش از ۱۰۳۰ هـ.ق.)، بحرالعلوم (۱۲۰۹ هـ.ق.)، نسخه متعلق به صادق کیا (قرن سیزدهم)، هرمان اته (۱۸۷۸م)، منتخبات فارسی (۱۸۸۹م)، گلزار معرفت (۱۳۲۳ هـ.ق.)، منتخبات فارسیه (۱۳۲۴ هـ.ق.)، مقاله مولوی عبدالولی (۱۹۰۹م)، مجموعه رباعیات ابوسعید (۱۹۲۷م)، خیابان عرفان (۱۹۲۴-۱۹۲۷م)، رباعیات ابوسعید چاپ دهلی (۱۳۴۹ هـ.ق.).

در نسخه ایاصوفیا (۷۰۶ق) جزء رباعیات اوحدالدین کرمانی (ف ۶۳۵ق) آمده است (اوحدالدین کرمانی، ۱۳۶۶: ۳۰۱). در آتشکده آذر (۱۹۳ق) و تذکره نتایج الافکار (۱۲۵۸ق) به نام درویش مقصود تیرگر هروی (قرن دهم)<sup>۱۳</sup> درج شده است (آذر بیگدلی، ۱۳۳۸: ۲/ ۷۷۴؛ گویاموی، ۱۳۸۷: ۶۷۷).

در برخی از نسخ قرن یازدهم، مجد همگر که مستفاد آقای احمد کرمی بوده، آمده است (مجد همگر، ۱۳۷۵: ۶۷۶). تیرتها این رباعی را علاوه به حافظ، فخرالدین مبارکشاه، ابوسعید و مقصود تیرگر، به باباافضل نیز منسوب دانسته است (Tirtha، ۱۹۴۱: ۱۱). در سه مجموعه نفیسی، مینوی- مهدوی و فیضی از رباعیات باباافضل یافت نشد.

### تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

انتساب این رباعی به حافظ متأخر و انتساب به باباافضل ضعیف است. انتساب به مجد همگر و مقصود تیرگر نیز پس از انتساب به خیام انجام پذیرفته است. انتساب به ابوسعید و مبارکشاه پس از انتساب به اوحدالدین کرمانی صورت گرفته است. رباعیات اوحدالدین در نسخه ایاصوفیا با وجود یگانه بودن نسخه، دایره وسیعی از رباعیات عرفانی را شامل می‌شود که قابل اعتناست. به لحاظ سبکی، شعر ساده، روان و زیباست. محتوای شعر مغالزه است که از دایره موضوعات رباعیات اصیل خیام خارج است.

### نتیجه تحلیل

به لحاظ تقدم نسخ و به لحاظ محتوایی، انتساب این رباعی به اوحدالدین کرمانی اقوی است و بعید به نظر می‌رسد رباعی از آن دیگر شاعران مذکور باشد.

(۴)

تیری که اجل کشد سپرها هیچ است  
چندان که به روی کارها درنگرم  
وین محتشمی و سیم و زرها هیچ است  
نیکی است که نیک است و دگرها هیچ است

نسخ خطی خیام	بریتانیا (۹۷۷)، بودلیان (قرن دهم)، لنینگراد (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، برلین (۱۰۵۸)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶).
چاپ سربی و جدید	نیکلا، وینفیلد، تامسون، تیرتها.

### انتساب به شاعر دیگر

مصراع نخست رباعی در تاریخ و صاف (۷۱۲-۶۹۹ هـ.ق.) بدن ذکر نام قائل آمده است (شرف الدین شیرازی، ۱۲۶۹: ۱/ ۲۴).



در بیاض تاج الدین احمد وزیر (۷۸۲ هـ.ق.) بدون ذکر نام قائل پس از یک قطعه از فردوسی طوسی درج شده است (تاج‌الدین احمد وزیر، ۱۳۸۱: ۲/۱۳۸).

در دیوان کمال الدین اسماعیل (ف ۶۳۵ هـ.ق.) از نسخه قرن هفتم نفیسی درج شده است (کمال الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۹۰۴).

در دو نسخه ایاصوفیا (۷۰۶ هـ.ق.) و مجموعه کتابخانه سلیمانیه در مجموعه رباعیات اوحدالدین کرمانی (ف ۶۳۵ هـ.ق.) درج شده است (اوحدالدین کرمانی، ۱۳۶۶: ۳۰۶).

مسعود فرزاد این رباعی را تنها در دو نسخه لکهنو (۱۳۲۲ هـ.ق.) و پژمان (۱۳۱۸) جزء رباعیات حافظ یافته و انتساب آن را به حافظ مردود دانسته است (فرزاد، ۱۳۵۰: ۱۸۱).

در نسخ ذیل جزء رباعیات باباافضل آمده است (افضل‌الدین کاشانی، ۱۳۶۳: ۹۸ و ۱۳۵۱: ۲۰):

مدرسه سلطانی (۱۲۱۵ هـ.ق.)، مدرسه ناصری (۱۲۵۹ هـ.ق.)، کتابخانه سلطنتی (۱۲۵۹ هـ.ق.).

### نسخه بدل‌های مهم

مصراع نخست در بیاض تاج الدین: چون تیر قضا زند. در رباعیات کمال الدین و حافظ: چون تیغ زند اجل.

در رباعیات باباافضل جای دو مصراع نخست عکس هم است.

آغاز مصراع دوم در رباعیات کمال الدین: وین حشمت و جاه و مال.

مصراع سوم در بیاض تاج الدین: در نیک و بد جهان نظرها کردیم.

### تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

با توجه به تاریخ ولادت حافظ (۷۲۷ هـ.ق.) هرگز ممکن نیست این رباعی سروده وی باشد. هرچند تأخر انتساب به باباافضل، تعلق رباعی را بدو مردود می‌سازد اما نمی‌توان به نسخ قرن ده رباعیات خیام نیز اطمینان کرد. انتساب به کمال الدین اسماعیل و اوحدالدین کرمانی اقدم است. مصراع دوم معطوف مصراع نخست است. مصراع چهارم بسیار ضعیف سروده شده است. سیاق تعریف از حشمت و جاه و مال به سروده‌های قبل از قرن هفتم می‌ماند و به لحاظ سادگی در زبان به نظر می‌رسد رباعی سروده عارفان یا واعظان اواخر قرن پنجم یا قرن ششم باشد. مصراع نخست جبرگرایانه است و در کل، مضمون رباعی موعظه است.

### نتیجه تحلیل

به لحاظ تاریخ انتساب، تعلق رباعی به خیام، باباافضل و حافظ مردود است و به علت سادگی بیان آن، انتساب به کمال الدین نیز جای تردید دارد. به نظر می‌رسد رباعی متعلق به اوحدالدین کرمانی باشد.

(۵) خطی که فلک بر رخ دلخواه نوشت  
بر گل رقم بنفشه بیگانه نوشت  
خورشید خطی به بندگی می‌دانش  
کاغذ مگرش نبود بر ماه نوشت

### انتساب به خیام

تیرتها آن را در نسخه قرن دهم حیدرآباد به نام خیام یافته است (Tirtha, 1941: 219).

### انتساب به شاعر دیگر

این رباعی در مونس الاحرار (۷۴۱ هـ.ق.) بدون ذکر نام قائل آمده است (جاجرمی، ۱۳۵۰: ۲/۱۱۹۹). در نزهة المجالس (۶۵۸-۶۴۹ هـ.ق.) به نام شرف الدین صالح بیلقانی (پیش از قرن هشتم) درج شده است (شروانی، ۱۳۶۶: ۳۷۰).

فقط در چاپ‌های لکهنو (۱۳۲۲ هـ.ق.) و پژمان به نام حافظ آمده است (فرزاد، ۱۳۵۰: ۱۸۹). در نسخ ذیل جزء رباعیات باباافضل آمده است (افضل‌الدین کاشانی، ۱۳۶۳: ۱۰۴ و ۱۳۵۱: ۲۹): مدرسه سلطانی (۱۲۱۵ هـ.ق.)، مدرسه ناصری (۱۲۵۹ هـ.ق.)، جنگ دانشگاه تهران (قرن دوازدهم)، کتابخانه سلطنتی (۱۲۵۹ هـ.ق.).

در نسخه پاریس (۹۳۴ هـ.ق.) موسوم به «رباعیات طیب» به شماره ۴۶۱ درج شده است (Tirtha, 1941: 219). در دو نسخه ذیل جزء رباعیات مهستی گنجوی نیز آمده است: نسخه مشترک کتابخانه ملک - ملی و نسخه آکادمی علوم آذربایجان (مهستی گنجوی، ۱۳۴۷: ۳۴ و ۱۹۸۵: ۵).

### نسخه بدل‌های مهم

آغاز مصراع نخست در رباعیات مهستی: خط بین که فلک. در رباعیات باباافضل: حرفی که خطت بر لب.

### تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

انتساب رباعی به مهستی ضعیف و انتساب به حافظ مردود است. با توجه به نسخه پاریس (۹۳۴ هـ.ق.) می‌توان گفت انتساب به باباافضل و خیام در قرن دهم انجام گرفته است اما به نظر می‌رسد نوشته نزهة المجالس درست بوده، رباعی متعلق به صالح بیلقانی باشد. واج آرای حرف «خ» در مصراع‌های فرد و حرف «ش» در مجموع چهار مصراع، تناسب «فلک، خورشید و ماه» و نکات بدیعی دیگر، حاکی از تصنع در به‌کارگیری صنایع لفظی است. توصیف لب و خط امردان و در کل مضامین عاشقانه جایگاهی در میان رباعیات اصیل خیام و افضل‌الدین کاشانی ندارد.

### نتیجه تحلیل

انتساب به خیام، باباافضل و حافظ مردود است و رباعی متعلق به صالح بیلقانی است.

(۶) با مردم نیک بد نمی‌باید بود / در پایه دیو و دد نمی‌باید بود  
مفتون معاش خود نمی‌باید شد / مغرور به فضل خود نمی‌باید بود

نسخ خطی خیام	حیدرآباد (قرن یازدهم)، تیرتها آن را در نسخه رباعیات خیام، گردآورده عبدالله بن علی البامی بن محمد، متعلق به سال ۷۸۶ هجری که در سال ۱۱۷۱ هجری کتابت شده، یافته است (Tirtha, 1941: 194). (۱۰۹)
چاپ سنگی	لکهنو (۱۳۰۰)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ سربی و جدید	تامسون، تیرتها.

### انتساب به شاعر دیگر

در نسخ ذیل جزء رباعیات حافظ آمده است (فرزاد، ۱۳۵۰: ۲۰۹؛ حافظ، ۱۳۰۶: ۳۴۴):  
 ب (نیمه اول قرن دهم)، ن (۹۹۷) و ک متعلق به فرزاد (نیمه اول قرن یازدهم)، نسخه (۱۰۵۵ هـ.ق.)، لکهنو (۱۳۲۲ هـ.ق.)، محمد قدسی (۱۳۲۲ هـ.ق.)، خلخالی (۱۳۰۶)، پژمان (۱۳۱۸).  
 طالبیان و مدبری از روی نسخ آکادمی شوروی (۸۲۰ هـ.ق.)، ایصوفیا (۸۴۱ هـ.ق.) و چاپ همایون فرخ آن را جزء رباعیات عمادالدین فقیه کرمانی (ف. ۷۷۲ هـ.ق.) آورده‌اند (عماد فقیه، ۱۳۸۰: ۵۲۷).  
 نسخه بدل‌های مهم:  
 در حشو مصراع چهارم به جای «فضل» در رباعیات عماد فقیه «عقل» آمده است.<sup>۱۴</sup>

### تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

در چنین مواردی تاریخ کتابت یک اثر، مهم‌تر از تاریخ تعلق آن است زیرا نمی‌توان اثبات کرد که مورد دست‌برد کاتبان قرار نگرفته است؛ بنابراین انتساب رباعی به خیام ضعیف است. انتساب آن به عماد فقیه پیش از حافظ انجام گرفته است. هر مصراع یک جمله ساده است و در کل به رباعی‌های ساده متعلق به برخی صوفیان شبیه است. مضمون رباعی موعظه و پند اخلاقی است.

### نتیجه تحلیل

این رباعی از نظر سبکی و محتوایی از رباعیات اصیل خیام و حافظ فاصله دارد و با توجه به بررسی نسخ رباعی متعلق به عماد فقیه دانسته می‌شود.

(۷) یارب من اگر گناه بی حد کردم  
 بر جان جوانی و تن خود کردم  
 چون بر کرمت وثوق کلی دارم  
 برگشتم و توبه کردم و بد کردم

نسخ خطی خیام	حیدرآباد (قرن یازدهم)، تیرتها آن را در نسخه رباعیات خیام، گردآورده عبدالله بن علی البامی بن محمد، متعلق به سال ۷۸۶ هجری که در سال ۱۱۷۱ هجری کتابت شده، یافته است (Tirtha، ۱۹۴۱: ۲۷۳).
چاپ سنگی	لکهنو (۱۳۰۰)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ سربی و جدید	تامسون، عبدالله جودت، تیرتها.

### انتساب به شاعر دیگر

نقیسی در مجموعه‌ای که در سال ۱۳۰۵ از برخی سفینه‌ها گردآورده، آن را جزء رباعیات منسوب به ابوسعید یافته است (نقیسی، ۱۳۵۰: ۵۹).  
 مسعود فرزاد آن را در یک منبع که از آن نام نبرده، به نام حافظ یافته است (فرزاد، ۱۳۵۰: ۲۳۲).

### نسخه بدل‌های مهم

آغاز مصراع دوم در سخنان منظوم ابوسعید: دانم به یقین که بر.

مصراع سوم در سخنان منظوم ابوسعید: از هر چه مخالف رضای تو بود.

### تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

انتساب رباعی به ابوسعید، خیام و حافظ ضعیف است. رباعی در سبک سروده‌های ساده صوفیان قرن چهارم تا ششم است و هیچ تشابهی به سبک خیام ندارد. مضمون رباعی مناجات است.

### نتیجه تحلیل

از جمله رباعیات سرگردانی است که در میان اشعار منسوب به ابوسعید و خیام و حافظ جای گرفته است. به لحاظ سبکی بعید نیست که از جمله رباعیاتی باشد که از زبان ابوسعید شنیده شده است.

(۸) برخیز و مخور غم جهان گذران  
بنشین و دمی به شادمانی گذران  
در طبع جهان اگر وفایی بودی  
نوبت به تو خود نیامدی از دگران

نسخ خطی خیام	طربخانه (۸۶۷)، پیر پاسکال (قرن نهم به بعد)، محفوظ الحق (۹۱۱)، پاریس (۹۳۴)، پاریس (۹۴۷)، روزن (قرن دهم)، بودلیان (قرن دهم)، بریتانیا (۱۰۳۳)، بریتانیا (۱۰۷۹).
چاپ سنگی	کلکته I (۱۲۵۲)، کلکته III (۱۲۵۲)، ریاض العارفین (۱۲۶۴)، لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ سربی و جدید	فیتز جرالد، نیکلا، وینفیلد، تامسون، دانش، هدایت I و II، فروغی، تیرتها، برتلس، یکانی، فولادوند، دانشفر.

### انتساب به شاعر دیگر

در دیوان کمال‌الدین اسماعیل از نسخه قرن هفتم نفیسی درج شده است (کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۹۰۴). تیرتها نیز آن را در نسخه (۱۰۱۰ هـ. ق.) از دیوان کمال‌الدین دیده است (Tirtha, 1941: 202). در آتشکده نیز به نام وی ضبط شده است (آذر بیگدلی، ۱۳۴۰: ۳/۱۰۰۶).

در نسخه قریون اوغلو (نیمه قرن نهم) جزء رباعیات حافظ آمده است (حافظ، ۱۳۶۲: ۱۱۱۳).

در نسخه (۸۶۹ هـ. ق.) تاریخ گزیده (۷۳۰ هـ. ق.) بدون ذکر نام قائل آمده است (حمدالله مستوفی، ۱۳۳۳۹: ۱۰۲).

### تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

با توجه به نسخه قرن هفتم دیوان کمال‌الدین اسماعیل، امکان تعلق این رباعی به حافظ وجود ندارد و اگر در نسخ نزدیک به زمان تصنیف تاریخ گزیده می‌آمد، دلیلی دیگر بر عدم امکان تعلق رباعی به حافظ بود. انتساب به خیام در قرن نهم انجام گرفته است. کثرت نسخه‌های خیام حاوی این رباعی می‌توانست دلیلی بر قوت انتساب به او باشد لکن انتساب آن به کمال‌الدین اسماعیل اقدام است. غنیمت دانستن دم یکی از موضوعات عمده در رباعیات خیام است و استفاده از واژه «دم» در بیش از شصت رباعی منسوب به خیام مشهود است. رباعی ساده و پخته است و در حد رباعیات اصیل خیام است. از حیث محتوا به بی وفایی دنیا اشاره دارد و به شادی طلبی توصیه می‌کند.

### نتیجه تحلیل

رباعی به لحاظ سبکی و محتوایی به سروده‌های اصیل خیام نزدیک است اما تقدم نسخه کمال‌الدین اسماعیل قابل توجه است. اگر این رباعی در مجموعه‌ای متعلق به قرن هفتم نیز به نام خیام می‌آمد، می‌توانستیم انتساب به کمال‌الدین

اسماعیل را رد کنیم اما اکنون تنها چنین می‌توان گفت که احتمالاً کمال‌الدین این رباعی را خیامانه سروده است.

(۹) آن جام طرب شکار بر دستم نه      و آن ساغر چون نگار بر دستم نه  
و آن می که چو زنجیر پیچد بر خود      دیوانه شدم بیار بر دستم نه

نسخ خطی خیام	طربخانه (۸۶۷)، نجوانی (قرن نهم به بعد)، بریتانیا (۱۰۳۳).
چاپ سنگی	لکهنو (۱۳۰۰)، سنپترزبورگ (۱۳۰۶)، بمبئی (۱۳۰۷)، لکهنو (۱۳۱۲)، استانبول (۱۳۱۹).
چاپ سربی و جدید	نیکلا، وینفیلد، تامسون، تیرتها، یکانی.

#### انتساب به شاعر دیگر

این رباعی در نزهة المجالس (کتابت در ۷۳۱ هـ.ق.) به نام کمال‌الدین اسماعیل (ف ۶۳۵ هـ.ق.) درج شده است (شروانی، ۱۳۶۶: ۱۸۴). در دیوان کمال نیز از نسخه قرن هفتم نفیسی درج شده است (کمال‌الدین اسماعیل، ۱۳۴۸: ۹۱۰). در مونس الاحرار (۷۴۱ هـ.ق.) نیز به نام کمال‌الدین اسماعیل آمده است (جاجرمی، ۱۳۵۰: ۲/ ۱۱۷۴). در نسخ ذیل جزء رباعیات حافظ آمده است (فرزاد، ۱۳۵۰: ۲۵۱-۲۵۲) (حافظ، ۱۳۲۰: ۳۸۴: ۲/ ۱۱۱۱): خلخالی (۸۲۷ هـ.ق.)<sup>۱۵</sup>، ب متعلق به فرزاد (نیمه اول قرن دهم)، لکهنو (۱۳۲۲ هـ.ق.)، محمد قدسی (۱۳۲۲ هـ.ق.)، پژمان.

#### نسخه بدل‌های مهم

آغاز مصراع نخست در طربخانه: آن باده خوشگوار. در چاپ نیکلا: ساقی می خوشگوار.  
آغاز مصراع دوم در چاپ نیکلا: وان باده.

#### تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

به علت آمدن این رباعی در نزهة المجالس و مونس الاحرار ممکن نیست سروده حافظ باشد و بیش از یک قرن پیش از انتساب به خیام، به نام کمال‌الدین اسماعیل آمده است. بنابراین به لحاظ بررسی نسخ، انتساب آن به کمال‌الدین اسماعیل اقدم است. سه مصراع نخست تشبیهاتی از می است. بیت دوم سادگی اشعار قرون چهارم و پنجم را دارد. مضمون رباعی مدح شراب و طلب طرب است.

#### نتیجه تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

رباعی ساده‌ای است و هیچ نکته حکمی در آن نیست. با اعتماد به نسخه نزهة المجالس می‌توان آن را متعلق به کمال‌الدین اسماعیل دانست.

(۱۰) از مردمی و سلیمی و مسکینی      وز سرکشی و تکبر و خودبینی  
بر آتش اگر نشانی‌ام بنشینم      بر دیده اگر نشانمت نشینی

نسخ خطی خیام	پاریس (۹۰۲).
چاپ سربی و جدید	تیرتها.

### انتساب به شاعران دیگر

در برخی از نسخ قرن یازدهم مجد همگر که مستفاد آقای احمد کرمی بوده، به نام وی آمده است (مجد همگر، ۱۳۷۵: ۷۷۶). در نسخه بریتانیا (۶۹۷ هـ.ق.) از رباعیات مجد همگر نیز موجود است (مجد همگر، ۶۷۹ هـ.ق.: برگ ۱۷۸ ب، رباعی هفتم).

در نسخ ذیل جزء رباعیات حافظ آمده است (فرزاد، ۱۳۵۰: ۲۶۱؛ حافظ، ۱۳۰۶: ۳۴۶):  
ص ۸۴۹ هـ.ق.)، م (۸۹۳ هـ.ق.)، ب (نیمه اول قرن دهم) و ن متعلق به فرزاد (۹۹۷ هـ.ق.)، لکهنو (۱۳۲۲ هـ.ق.)، خلخالی (۱۳۰۶) و پژمان (۱۳۱۸).

در مجموعه رباعیات ابوسعید چاپ حیدرآباد (۱۹۲۷م) نیز آمده است (نقیسی، ۱۳۵۰: ۱۰۰).

### نسخه بدل‌های مهم

آغاز مصراع نخست در چاپ تیرتها از رباعیات خیام: ار مردمی و مسلمی. در چاپ خلخالی از حافظ: از عاجزی و سلیمی. در چاپ کرمی از مجد همگر: از سادگی و سلیمی.

آغاز مصراع دوم در چاپ تیرتها از رباعیات خیام: ور سنگدلی و شوخی و بی دینی. مصراع دوم در چاپ فرزاد از دیوان حافظ: وز تندى و ناز و حشمت و خودبینی. در چاپ خلخالی از دیوان حافظ: وز کبر و بزرگواری و خودبینی. در دو مصراع پایانی، در برخی چاپ‌ها به جای «بنشینم»، «نشینم» و به جای «نشین»، «بنشین» ضبط شده است که در متن شکل اصح آن درج شد.

### تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

انتساب این رباعی به ابوسعید ضعیف و مردود است. با مقایسه تاریخ نسخه بریتانیا (۶۹۷ هـ.ق.) و تاریخ تولد حافظ (۷۲۷ هـ.ق.) نیز هرگز ممکن نیست سروده حافظ باشد. انتساب به مجد همگر حدود دو قرن پیش از انتساب به خیام صورت گرفته است. رباعی اربعة الارکانی نیست و دو مصراع نخست دنباله همنند. به نظر می‌رسد تنسيق الصفات در این دو مصراع موجب اطناب شده است و این امر سبب گشته رباعی با نسخه بدل‌های متعدد ضبط شود. به دلیل شاعرانه بودن و داشتن مضمون عاشقانه، مشابه رباعیات حافظ و مجد همگر است اما در محدوده رباعیات اصیل خیام نمی‌گنجد.

### نتیجه تحلیل

رباعی نه تنها متعلق به خیام نیست بلکه خیامانه هم نیست. به این ترتیب و با توجه با تاریخ نسخ، انتساب به ابوسعید، خیام و حافظ مردود است و رباعی متعلق به مجد همگر است.

(۱۱) با فاقه و فقر هم‌قرینم کردی      با درد فراق هم‌نشینم کردی  
این مرتبه مقربان ره توسط      یا رب به چه خدمت این چنینم کردی؟

### انتساب به خیام

طریخانه (۸۶۷ هـ.ق.).

### انتساب به شاعر دیگر

در مجموعه سخنان منظوم ابوسعید نیز از منابع ذیل به نام ابوسعید ابوالخیر درج شده است (نفیسی، ۱۳۵۰: ۹۱):  
مشکول<sup>۱۶</sup> ملاحاجی بابا قزوینی (۱۱۳۵-۱۱۰۵ هـ.ق.)، هرمان اته (۱۸۷۸م).  
در نسخه ایاصوفیا (۷۰۶ هـ.ق.) جزء رباعیات اوحدالدین کرمانی (ف ۶۳۵ هـ.ق.) آمده است (اوحدالدین کرمانی، ۱۳۶۶: ۱۸۵).

در اوراد الاحباب (۷۲۴ هـ.ق.) ابوالمفاخر یحیی بن احمد باخرزی (ف ۷۳۶ هـ.ق.) از زبان سیف‌الدین باخرزی (ف ۶۵۹ هـ.ق.) آمده است (اوحدالدین کرمانی، ۱۳۶۶: ۳۴۰). نفیسی نیز آن را جزء رباعیات منسوب به سیف‌الدین باخرزی درج کرده است (نفیسی، ۱۳۳۴: ۱۴). منبع وی رباعیاتی بوده که ظهیرالدین حسن بن ناصر کرمانی، نواده سیف‌الدین باخرزی، در مشیخه خاندان سعدالدین حموی (۹۲۶ هـ.ق.) نقل کرده و مجموعه‌ای متعلق به کتابخانه خدابخش (قرن یازده یا دوازدهم) شهر پتنه هندوستان بوده است.  
در تذکره الشعراي دولتشاه سمرقندی به نام ابن نصح فارسی (قرن هفتم و هشتم) درج شده است (دولتشاه، ۱۹۰۰م: ۲۳۵).

در نسخه ب (نیمه اول قرن دهم) متعلق به فرزند جزء رباعیات حافظ آمده است (فرزاد، ۱۳۵۰: ۲۵۶).

### نسخه بدل‌های مهم

مصراع نخست در رباعیات ابوسعید: بی مونس و یار هم نشینم کردی. در رباعیات سیف‌الدین باخرزی: با محنت و اندوه قرینم کردی.

مصراع دوم در رباعیات ابوسعید: بی خویش و تبار و بی قرینم کردی. در رباعیات سیف‌الدین باخرزی: محتاج به یک نان جوینم کردی. در رباعیات اوحدالدین کرمانی: بی مونس و بی یار و قرینم کردی.

انتهای مصراع سوم در رباعیات ابوسعید و سیف‌الدین و اوحدالدین: در توست.  
ابتدای مصراع چهارم در رباعیات ابوسعید و سیف‌الدین و اوحدالدین: آیا.

### تحلیل نسخه‌ای، سبکی و محتوایی

انتساب رباعی به ابوسعید ضعیف است. با توجه به تاریخ ولادت حافظ (۷۲۷ هـ.ق.)، انتساب آن به وی مردود است. انتساب به خیام در قرن نهم و به ابن نصح در قرن دهم انجام شده است. انتساب به سیف‌الدین باخرزی و اوحدالدین کرمانی اقدام است. مصراع چهارم این رباعی سؤال از نوع «پرسش با صفت استفهام» است و جمله «به چه خدمت این چنینم کردی؟» یک جمله کامل پرسشی است و نباید در آغاز آن «آیا» آورد. چنان که ملاحظه می‌شود این خطای دستوری در قرن هفتم هم به کار می‌رفته و معلوم نیست که پیش از آن هم بوده یا نه. رباعی شبیه سروده‌های صوفیان است و لحن خیامی ندارد. شکایت از دنیا و مرگ و چرخ در رباعیات اصیل خیام وجود دارد اما شکایت از فقر نه. ناله از فراق نیز در حوزه سروده‌های خیام جایی ندارد. بیت دوم طنز دارد اما از جمله طنزهای ظریف خیام یا حافظ نیست.

## نتیجه تحلیل

به لحاظ تاریخی انتساب این رباعی به حافظ و به لحاظ سبکی و محتوایی انتساب آن به خیام مردود است. انتساب به ابوسعید نیز ضعیف است. انتساب به سیف‌الدین باخرزی و اوحدالدین کرمانی اولویت دارد. ازین میان به علت تقدم نسخه رباعیات اوحدالدین، انتساب به او اقوی است.

### ۷- نتیجه

در این مقاله یازده رباعی که هم به خیام و هم به حافظ منسوب بودند ذکر شد و تاریخ و محل انتساب هر یک درج گردید. هر رباعی جداگانه تحلیل سبکی و محتوایی شد. انتساب این رباعیات به اشخاص دیگر یا در صورت وجود آن در یک متن کهن، نام آن منبع نیز نوشته شده است. آن چه معلوم است عدم تعلق این یازده رباعی به خیام و حافظ به لحاظ تاریخ انتساب یا تفاوت در سبک و محتواست. این پژوهش نشان می‌دهد که انتساب هر یک از این یازده رباعی به شاعری دیگر نسبت به خیام و حافظ اقوی است. البته در صورت تردید بین دو شاعر با مطرح کردن این تردید، لزوم پژوهش بیشتر خاطر نشان شده است.

### پی نوشت‌ها

- ۱- با استناد به تصحیح «طربخانه» از جلال‌الدین همایی.
- ۲- با استناد به کتاب «نادره ایام، حکیم عمر خیام و رباعیات او» از اسمعیل یکانی.
- ۳- با استناد به کتاب‌های «بررسی انتقادی رباعیات خیام» و «Recherches sur les Ruba'iyat de 'Omar Hayyam» از آرتور کریستن‌سن، «The Quatrains of Omar Khayyam of Nishapur» از فرانسیس تامسون و «The Nectar of Grace» از سوامی گویندا تیرتها.
- ۴- با استناد به کتاب «The Nectar of Grace» از سوامی گویندا تیرتها.
- ۵- سیدعلی میرافضلی در کتاب «رباعیات خیام در منابع کهن» ۱۶۴ رباعی منسوب به خیام را در ۵۷ کتاب، رساله، جنگ و سفینه متعلق به سال‌های ۵۱۳ تا ۸۲۱ هـ. ق. یافته و هر یک را با یادداشتی در مورد اثر و بخشی از متن اصلی حاوی رباعی مورد نظر ذکر کرده است. کتاب مذکور نشان می‌دهد از میان این ۱۶۴ رباعی، ۱۱۷ رباعی در منابع قرن هفتم، هشتم و دهه اول قرن نهم به نام خیام درج شده است. به دلایل نسخه‌شناختی و سبک‌شناختی همه این ۱۱۷ رباعی نمی‌تواند به عنوان رباعی اصیل خیام دانسته شود.
- ۶- سادگی: قرار گرفتن ارکان جمله مطابق اسلوب نثر (مثال: پیش از من و تو لیل و نهارى بوده است)، پرهیز از جملات مرکب چند وابسته‌ای (مثال: حقیر است اگر اردشیر است زى من / امیری که من بر دل او حقیرم)، سادگی در صفات و افعال (کاربرد کمتر صفات ترکیبی و افعال پیشوندی).
- روانی: وزن درست، استفاده از بحور یا ازاحیف پرکاربرد، عدم استفاده از اختیارات شاعری.
- پختگی: هیچ اشکال لفظی و معنوی بر شعر وارد نباشد، شاعر بتواند با واژگانی که در اختیار دارد مقصود خود را برساند.
- درستی: واژگان قالب معنی باشند (برابری لفظ و معنی)، معنی ارکان جملات شعری مطابق دستور زبان بیاید.
- ایجاز: پرهیز از اطناب.

۷- مقصود شاعر به طرز ساده و بی‌پیرایه ادا شود، کنایه و استعاره و بعضی تکلفات صنعتی در شعر دیده نشود و غیر از تشبیهات صریح و روشن که بسیار مطلوب و ممدوح بوده، در سایر صنعت‌ها زیاده‌روی نکند. لغات فارسی بر عربی بچربد یا از لغات



عربی معمول و ساده استفاده شود.

۸- در عین ارتباط معنوی مصاریع یک رباعی، معنی هر مصراع مستقل از مصراع دیگر باشد.

(مثال: اسرار ازل را نه تو دانی و نه من / وین حرف معما نه تو خوانی و نه من

هست از پس پرده گفتگوی من و تو / چون پرده برافتد، نه تو مانی و نه من)

۹- فصاحت و بلاغت: فصاحت در کلمه خالی بودن آن است از چهار عیب تنافر حروف، غرابت استعمال، مخالفت قیاس و

کراهت سمع؛ فصاحت در کلام خالی بودن آن از شش عیب ضعف تألیف، تنافر کلمات، تعقید لفظی، تعقید معنوی، کثرت تکرار

و تتابع اضافات است و فصاحت متکلم، توانا بودن وی است بر ایراد سخنانی که کلمه و کلامش فصیح باشد. بلاغت، مطابقت

کلام فصیح است با مقتضای حال و به متکلمی بلیغ گفته می‌شود که هر وقت بخواهد، بتواند بی رنج و مشقت مقصود خود را به

کلام بلیغ ادا نماید (رجایی، ۱۳۷۹: ۱۸-۳).

استواری (فخامت، جزالت، استحکام): رعایت اصول دبیری و ترسل قرن چهارم و پنجم در اختیار واژگان شعر و عدم استعمال

الفاظ رکیک، سست عامیانه و نارواست.

شیرینی: جاذب مخاطب باشد، هم در لفظ و هم در معنی، خواندن شعر ملالتی در خواننده عامی ایجاد نکند.

روشنی: ابهامی در معنی ظاهری شعر وجود نداشته باشد.

۱۰- شعر بی هدف و برای تفنن سروده نشود بلکه اشاره به نکته‌ای داشته باشد که مردم در زندگی روزانه از آن غافلند.

۱۱- این نسخه دارای ۳۴۹ رباعی منسوب به خیام است و رباعیات از شماره ۳۵۰ تا ۵۰۳ با عنوان «رباعیات طیب» نامگذاری شده

است. اکثر قریب به اتفاق این مجموعه، رباعیات منسوب به باباافضل است و می‌توان آن را یک مجموعه قرن دهم از رباعیات

منسوب به افضل الدین کاشانی دانست.

۱۲- مداح سلطان غیاث الدین غوری (ف ۶۰۷ هـ. ق.). (دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل مبارکشاه، فخرالدین)

۱۳- با این که در آتشکده تاریخ وفات مولانا درویش مقصود تیرگر هروی ۷۰۷ هـ. ق. درج شده (آذر بیگدلی، ۱۳۳۸: ۲ / ۷۷۴)

اما در اکثر تذکره‌ها او را از شاعران قرن دهم دانسته‌اند. ر.ک. دهخدا، ۱۳۷۳: ذیل مقصود هروی.

۱۴- رباعی عماد فقیه را فرزند از روی مأخذ دیگری به صورت ذیل نوشته است (فرزاد، ۱۳۵۰: ۲۰۹):

مفتون معاش خود نمی‌باید بود مغرور به اصل خود نمی‌باید بود

با مردم نیک بد نمی‌باید بود در سایه دیو و دد نمی‌باید بود

۱۵- در چاپ خلخالی (۱۳۰۶) نیامده است.

۱۶- احتمالاً «کشکول» به اشتباه چنین نوشته شده است.

## منابع

۱- آذربیدگدلی، لطفعلی بن آقاخان. (۱۳۳۸) و (۱۳۴۰). آتشکده (ج ۲ و ۳). تصحیح حسن سادات ناصری، تهران: امیرکبیر.

۲- افضل الدین کاشانی. (۱۳۵۱). دیوان افضل الدین محمد مرقی کاشی، به کوشش مصطفی فیضی و همکاران،

کاشان: اداره فرهنگ و هنر.

۳- ----- (۱۳۶۳). رباعیات باباافضل کاشانی، تصحیح و مقدمه سعید نفیسی، تهران: فارابی.

۴- اوحدالدین کرمانی. (۱۳۶۶). دیوان رباعیات اوحدالدین کرمانی، تصحیح احمد ابومحبوب، تهران: سروش.

۵- بهار، محمدتقی. (۱۳۳۴). تاریخ تطور شعر فارسی، تحشیه تقی بینش، مشهد: کتابفروشی باستان رضوی.

- ۶- بیانی، مهدی. (۱۳۴۹). فهرست ناتمام تعدادی از کتاب‌های کتابخانه سلطنتی، تهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- ۷- تاج‌الدین احمد وزیر. (۱۳۸۱). بیاض تاج‌الدین احمد وزیر، تصحیح علی زمانی، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- ۸- جاجرمی، محمد بن بدر. (۱۳۵۰). مونس الاحرار فی دقائق الاشعار، با مقدمه محمد قزوینی، به اهتمام میرصالح طیبی، تهران: انجمن آثار ملی.
- ۹- حافظ، شمس‌الدین محمد. (۱۳۰۶). دیوان حافظ، تصحیح سید عبدالرحیم خلخالی، تهران: کتابفروشی حافظ.
- ۱۰- ----- (۱۳۲۰). دیوان خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، به اهتمام محمد قزوینی و قاسم غنی، تهران: زوار.
- ۱۱- ----- (۱۳۶۲). دیوان حافظ، به اهتمام پرویز ناتل خانلری، تهران: خوارزمی.
- ۱۲- حسن‌لی، کاووس؛ حسام‌پور، حمید. (۱۳۸۸). کارنامه خیام پژوهی در سده چهاردهم، فسنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی؛ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، ش ۱۴: ۹۹-۱۲۶.
- ۱۳- حسنی اصفهانی گلستانی، محمود بن محمود. (۱۳۹۱). انیس الوحدة و جلیس الخلو، تصحیح مجتبی مطهری، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۱۴- حمدالله مستوفی. (۱۳۳۹). تاریخ گزیده، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیرکبیر.
- ۱۵- خیام، عمر بن ابراهیم. (۱۳۳۲ق). نسخه چاپ سنگی رباعیات عمر خیام، به اهتمام بابو منو هرلال، لکهنو: مطبع منشی نولکشور.
- ۱۶- ----- (۱۹۲۸م). رباعیات حکیم عمر خیام، به کوشش فریدرخ روزن، برلین: چاپخانه کاویان.
- ۱۷- ----- (۱۹۵۹م). رباعیات عمر خیام، با ترجمه، پیشگفتار و حواشی روسی از یوگنی برتلس، رستم علیف و محمد نوری عثمانوف، مسکو: انستیتو خاورشناسی.
- ۱۸- ----- (۱۳۴۰ق). رباعیات عمر خیام، ترجمه حسین دانش، تحلیل فلسفی رضا توفیق، تهران: چاپ کتابخانه اقبال.
- ۱۹- ----- (۱۳۷۳). رباعیات خیام، با مقدمه محمدعلی فروغی و قاسم غنی، به کوشش بهاء‌الدین خرماهی، تهران: ناهید.
- ۲۰- دانشفر، حسن. (۱۳۵۴). درباره رباعیات خیام، با مقدمه مجتبی مینوی، تهران: اسکندری.
- ۲۱- دولت‌شاه، ابن علاء‌الدوله بختی‌شاه. (۱۹۰۰). تذکره الشعراء، لیدن: مطبعه بریل.
- ۲۲- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۳). لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲۳- رازی، امین احمد. (۱۳۴۰). هفت اقلیم، تصحیح جواد فاضل، تهران: علمی.
- ۲۴- رجایی، محمدخلیل. (۱۳۷۹). معالم البلاغه در علم معانی و بیان و بدیع، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۲۵- رشیدی تبریزی، یار احمد بن حسین. (۱۳۷۲). طربخانه، تصحیح جلال‌الدین همایی، تهران: مؤسسه نشر هما.
- ۲۶- ----- (۱۳۸۰). رباعیات حکیم خیام: طربخانه یار احمد رشیدی، تصحیح عبدالباقی گولپینارلی، به کوشش توفیق ه سبجانی، تهران: پژوهش.

- ۲۷- سلمان ساوجی. (۱۳۳۶). دیوان سلمان ساوجی، به اهتمام منصور مشفق، تهران: صفی علیشاه.
- ۲۸- ----- (۱۳۳۷). کلیات سلمان ساوجی، تصحیح مهرداد اوستا، تهران: زوار.
- ۲۹- ----- (۱۳۸۹). کلیات سلمان ساوجی، تصحیح عباسعلی وفایی، تهران: سخن.
- ۳۰- شرف الدین شیرازی. (۱۲۶۹ق). تاریخ و صاف، بمبئی: چاپ سنگی از روی خط محمد ابراهیم مشهور به آخلف.
- ۳۱- شروانی، جمال خلیل. (۱۳۶۶). نزهة المجالس، به تصحیح محمدمامین ریاحی، تهران: زوار.
- ۳۲- عبدالله انصاری. (۱۲۷۳ق). نصایح و اشعار خواجه عبدالله انصاری، نسخه خطی به خط سلطان علی المشهدی.
- ۳۳- عمادالدین فقیه. (۱۳۸۰). دیوان عماد کرمانی، تصحیح یحیی طالبیان و محمود مدبری، کرمان: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی استان کرمان.
- ۳۴- فرزاد، مسعود. (۱۳۵۰). صحت کلمات و اصالت اشعار حافظ (قصاید، قطعات، رباعیات و مثنویات)، کانون جهانی حافظ شناسی شیراز، تهران: چاپخانه کیهان.
- ۳۵- فرزانه، محسن. (۱۳۵۳). خیام شناخت، تهران: سازمان خوشه.
- ۳۶- فولادوند، محمدمهدی. (۱۳۷۹). خیام شناسی، تهران: الست فردا.
- ۳۷- کریستن سن، آرتور. (۱۳۷۴). بررسی انتقادی رباعیات خیام، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: توس.
- ۳۸- کمال الدین اسماعیل. (۱۳۴۸). دیوان خلاق المعانی، به اهتمام حسین بحرالعلومی، تهران: دهخدا.
- ۳۹- گوپاموی، محمد قدرت الله. (۱۳۸۷). تذکره نتایج الافکار، تصحیح یوسف بیگ باباپور، قم: مجمع ذخایر اسلامی.
- ۴۰- مبارکشاه مرورودی، فخرالدین. (۱۳۸۱). ریحق التحقیق به انضمام دیگر اشعار او، تصحیح نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۴۱- مجد همگر. (۶۹۷ هـ. ق.). رباعیات مجد همگر، تصویر نسخه خطی به شماره ۲۳۴ و ۲۳۵ محفوظ در کتابخانه مینوی.
- ۴۲- ----- (۱۳۷۵). دیوان مجد همگر، تصحیح احمد کرمی، تهران: ما.
- ۴۳- مرتضوی، منوچهر. (۱۳۴۴). مکتب حافظ، تهران: ابن سینا.
- ۴۴- مهستی گنجوی. (۱۳۴۷). دیوان مهستی گنجوی، به اهتمام طاهری شهاب، تهران: ابن سینا.
- ۴۵- ----- (۱۹۸۵). رباعیات مهستی گنجوی، به اهتمام رفائیل حسینیوف، باکو: یازیچی.
- ۴۶- میرافضلی، سید علی. (۱۳۸۲). رباعیات خیام در منابع کهن، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۴۷- مینوی، مجتبی. (۱۳۶۶). مصنفات افضل الدین محمد مرقی کاشانی، با همکاری یحیی مهدوی، تهران: خوارزمی.
- ۴۸- نفیسی، سعید. (۱۳۳۴). سیف الدین باخرزی، فصلنامه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران؛ س ۲، ش ۴: ۱-۱۵.
- ۴۹- ----- (۱۳۵۰). سخنان منظوم ابوسعید ابوالخیر، تهران: سنایی.
- ۵۰- واله داغستانی، علیقلی. (۱۳۸۳). ریاض الشعرا، تصحیح محسن ناجی نصرآبادی، تهران: اساطیر.

- ۵۱- هدایت، جهانگیر. (۱۳۸۱). **خیام صادق**، تهران: چشمه.
- ۵۲- هدایت، رضاقلی خان. (۱۳۱۶). **ریاض العارفین**، به اهتمام سید احمد مهذب، تهران: کتابخانه مهدیه طهران.
- ۵۳- ----- (۱۳۳۶) و (۱۳۳۹). **مجمع الفصحاح** (ج ۱ و ۲)، تصحیح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.
- ۵۴- هدایت، صادق. (۱۳۳۶). **ترانه‌های خیام**، تهران: جاویدان.
- ۵۵- یارمحمدی، لطف الله. (۱۳۷۱). **ساخت گفتمانی و متنی رباعیات خیام و منظومه فیتز جرالد**، فصلنامه مترجم؛ س ۲، ش ۸: ۱۶-۳.
- ۵۶- یکانی، اسمعیل. (۱۳۴۲). **نادره ایام، حکیم عمر خیام و رباعیات او**، تهران: انجمن آثار ملی.
57. Christensen, Arthur. (1905). **Recherches sur les Ruba'iyat de 'Omar Hayyam**, Germany: Heidelberg Carl Winter's Universitätsbuchhandlung.
58. Heron Allen, Edward. (1898). **The Ruba'iyat of Omar Khayyam**, A Facsimile of the MS in the Bodleian Library, London: H S Nichols, LTD.
59. Mahfuz-ul-Haq, M. (1939). **The Ruba'iyat of Umar-i-Khayyam**, Calcutta: Baptist Mission Press.
60. Nicolas, Jean-Baptiste. (1869). **Les Quatrains de Kheyam**, Paris: Imprimerie Imperiale.
61. Pascal, Pierre. (1959). **Les Roba'iyat D'Omar Khayyam de Neyshaboor**, illustrations photographiques du traducteur Editions du Cœur Fidele via di Campo Marzio, Rome.
62. Tirtha, Swami Govinda. (1941). **The Nectar of Grace: Omar Khayyam's Life and Works**, Hyderabad: Government Central Press.
63. Thompson, Eben Francis. (1906). **The Quatrains of Omar Khayyam of Nishapur**, Worcester County, Massachusetts: The Commonwealth Press.
64. Whinfield, E. H. (1883). **The Quatrains of Omar Khayyam**, London: Trübne & Co.